

جرداق: پس از علی(ع) کسی را شایسته نوشتن ندیدم / شخصیت واقعی امام، مهجور مانده است

جرج جرداق در بخشی از مقدمه خود بر کتاب «روائع النهج البلاغه» می‌نویسد: پس از علی(ع) کسی را شایسته نوشتن ندیدم.



جرج جرداق در بخشی از مقدمه خود بر کتاب «روائع النهج البلاغه» می‌نویسد: پس از علی(ع) کسی را شایسته نوشتن ندیدم. خبرگزاری مهر- گروه فرهنگ: کتاب «روائع النهج البلاغه» تازه‌ترین اثر ترجمه شده از مرحوم جورج جرداق نویسنده مسیحی به زبان فارسی است که آخرین مراحل انتشار در ایران را از سوی انتشارات نور المعارف طی می‌کند. ترجمه این کتاب که توسط محمد پرهت انجام شده است در واقع سومین ترجمه از این کتاب است که در ایران منتشر می‌شود.

همزمان با درگذشت این ادیب مسیحی شیفته امیرالمومنین علی(ع) خبرگزاری مهر، مقدمه علی کاظمی مدیر این موسسه انتشاراتی بر این کتاب را که شامل توضیحاتی از جرداق درباره کتابش است را برای نخستین بار منتشر می‌کند:

«جورج جرداق را در ایران و جهان به مؤلف کتاب‌هایی در ستایش و در شناخت علی(ع) می‌شناسند؛ اگرچه در شعر، طنز، داستان، نمایش‌نامه‌نویسی و روزنامه‌نگاری نیز دستی توانا و سابقه‌ای درخشان دارد. برخی از بزرگ‌ترین شخصیت‌های ادبی و علمی جهان اسلام و دنیای عرب، همچون میخائیل نعیمه، شیخ محمدجواد مغنیه و برجسته‌ترین علمای شیعه همچون آیت الله العظمی بروجردی و آیت الله العظمی حکیم و علامه سید عبدالحسین شرف الدین نیز او را ستوده‌اند.

این نویسنده و شاعر مسیحی اهل لبنان، در سال ۱۹۲۶ در شهر «مرجعیون» در جنوب لبنان متولد شد؛ در خانواده‌ای غسانی که نژادی قحطانی داشت و علاقه‌مند به فرهنگ و ادب. پدرش سنگ‌تراش و خطاط بود. عبارت "لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار" بر سردر خانه جرداق بر سنگی حک شده بود و نشان از احترام این خانواده مسیحی به امام نخست شیعیان داشت. درست‌تر آن است که بگوییم خانواده و جامعه‌ای که جرداق در آن نوجوانی خود را سپری کرد، هم مسیحی بود و هم مسلمان.

دوران آموزش مقدماتی جورج، در مرجعیون سپری شد. در تمام دوران مدرسه، اهل مطالعه و گشت‌وگذار در طبیعت نیز بود. مطالعه دیوان متنبی و دیگر شاعران بزرگ عرب را از همین دوران آغاز کرد. برادرش فؤاد نیز سهم بسیاری در رشد استعداد ادبی او داشت. فؤاد به او پیشنهاد کرد که نهج البلاغه علی(ع) را نیز بخواند. فؤاد جرداق، شاعری نام‌آور در لبنان بود و اشعاری در مدح علی(ع) سروده بود. مطالعات آینده جورج، تحت الشعاع نخستین مواجهه او با نهج البلاغه شکل گرفت.

او هنوز به سیزده سالگی نرسیده بود که بخش عمده‌ای از نهج البلاغه را حفظ کرده بود و به این ترتیب آشنایی ابتدایی او با شخصیت بزرگ امام علی (ع) آغاز شد. اضافه بر این، برادرش فواد قصاد فراوانی درباره امام علی (ع) می‌سرود و او به برادرش گوش می‌سپرد. چهارده ساله بود که نمایشنامه‌ای منظوم به نام «سحر» را که درباره ادب و دوستی بود، در پنج پرده نوشت که در چندین روستا در جنوب لبنان اجرا شد. در هفده سالگی دو کتاب به دست چاپ سپرد. این کتاب‌ها مورد توجه نویسندگان برجسته عرب، مانند طه حسین قرار گرفت و در تدوین کتب درسی دانشجویان دوره‌های عالی در دانشگاه‌های مصر، از آنها استفاده شد.

داماد خانواده، منصور جرداق، دانشمند و ریاضی‌دان عرب، قصد داشت جورج را به اروپا بفرستد تا علوم طبیعی و ریاضی بیاموزد؛ اما او که پیوند خود را به سرزمین، زبان، شعر و ادب عرب ناگسستنی می‌دید، تصمیم گرفت به بیروت برود و تحصیلات خود را در دانشکده پاتریارک ادامه دهد. با شروع تحصیل در دانشگاه بیروت در دو رشته ادبیات عرب و فلسفه عرب، تمام آثار مربوط به اندیشه و زندگی نخستین امام شیعیان را مطالعه کرد. کتاب‌های محمود عقاد و طه حسین و هر آنچه مربوط به امام علی(ع) بود، از نگاه او مخفی نماند.

افزون بر تحقیقات و مطالعات پیرامون نهج البلاغه، جورج جرداق در زمینه‌های متنوعی نوشت و کار کرد. مقالات متعددی تألیف کرد. کتاب‌های او به سی جلد می‌رسد و موضوعات گسترده‌ای از نمایش‌نامه‌نویسی، قصه، تاریخ، هنرهای نمایشی و مجموعه شعر را در بر می‌گیرد که از جمله آنها می‌توان به کتاب‌های ذیل اشاره کرد: واگنروزن، کاخ‌ها و کوخ‌ها، صلاح‌الدین و ریکاردو، شاعر و کنیز در کاخ‌های بغداد (رمان تاریخی)، قلب شیر (رمان تاریخی)، پرتوانی زبان عربی، جذابیت‌های پاریس، مطرب (نمایش‌نامه)، والی (نمایش‌نامه)، اختران نیمروز، حدیث میخانه‌ها و سخن خنیاگران. برخی از نوشته‌های او هنوز به چاپ نرسیده و بیش از ۱۰ کتاب را نیز به زبان عربی ترجمه کرده است.

طبع و قلم جرداق در شعر نیز آوازه‌ای دارد و اشعارش در قالب ترانه‌های عرب ماندگار شده است. این طبع شاعرانه، نوشته‌هایش را در مرتبه‌ای بلند از ظرافت و پختگی قرار داده است؛ به طوری که عمق نوشته‌ها و تصویرگری توانای او، بسیاری از نویسندگان و مترجمان را بدان علاقه‌مند کرده است.

جرداق، با مطبوعات عربی نیز همکاری داشته است. وقتی چند فصل از کتاب «علی، صدای عدالت انسانی» را نوشته بود، سردبیر مجله الرساله در بیروت بارها از جرداق تقاضا کرد که آن را منتشر کند. جرداق پس از چندین بار رد کردن درخواست سردبیر، سرانجام پذیرفت که دو فصل از کتاب را در الرساله چاپ کند. نخستین برخوردها با کتاب او، همدلانه بود. اسقف کلیسای کارمیله با مجله تماس گرفت و اعلام کرد هزینه چاپ این کتاب را می‌پردازد. اشتیاق و همدلی اسقف، جرداق را به نوشتن و

انتشار کتاب دل گرم کرد.

جورج جرداق هم‌اکنون در منطقه شرقی بیروت زندگی می‌کند و همچنان پرکار است. خود می‌گوید: «من با نوشتن زنده‌ام.» اما او پیش از آنکه نویسنده باشد، آن‌گونه که خود می‌گوید یک تماشاگر است؛ تماشاگر علی و خدایش. گوشه‌ای ایستاده، نهج‌البلاغه را تماشا می‌کند، می‌خواند و حیران است. جورج جرداق را به همین حیرت می‌شناسند. وقتی به پیشنهاد برادر بزرگ‌ترش فؤاد جرداق، کتاب نهج‌البلاغه را به مطالعه می‌گیرد. در شخصیت و کلام علی(ع) همان را می‌یابد که تشنه آن بود. پس از آن، هر کتابی را درباره نهج‌البلاغه و علی(ع) می‌یابد می‌خواند. از آنچه می‌خواند و می‌شناسد، یک نتیجه می‌گیرد: علی بی‌پایان است. جورج جرداق پس از آن، تنها از شخصیت علی(ع) نوشت، و می‌گفت: «پس از علی(ع) کسی را شایسته نوشتن ندیدم.» او بر این باور است که کوتاه‌فکران، شخصیت امام علی(ع) را در برخی موضوعات فرعی، محدود و محصور کرده‌اند. بدین رو می‌کوشد بیشتر و منصفانه‌تر از علی(ع) بنویسد. حاصل عمر و کار این نویسنده سی جلد کتاب است که مهم‌ترین آن الامام علی صوت العدالة الانسانية است که در پنج جلد با عناوین «علی و حقوق بشر»، «علی و انقلاب فرانسه»، «علی و سقراط»، «علی و دوران زندگانی‌اش» و «علی و قومیت عرب» منتشر شده است. در ادامه این پنج جلد، کتاب روائع نهج‌البلاغه را نوشت؛ کتابی در توصیف علی(ع) و کلام معجزه‌آسای او.

بدین رو باید اذعان کرد که این نویسنده مسیحی لبنانی، سهم بسیاری در معرفی شخص و شخصیت امام علی(ع) به جهانیان دارد، و اگر بگوییم بخشی از شهرت جهانی علی(ع) وامدار کوشش‌ها و همت والای او است، گزاف نگفته‌ایم.

درباره «روائع نهج‌البلاغه»

اگر سید رضی(ره) نهج‌البلاغه را از میان سخنان پراکنده امیرالمؤمنین در کتاب‌های گوناگون، با ملاک بلاغت و فصاحت برگزید، جورج جرداق نیز کتاب روائع نهج‌البلاغه را از میان سخنان علی در نهج‌البلاغه انتخاب و گزینش کرد. بنابراین کار جرداق، ادامه کار سید رضی، و به يك معنا، تکمیل آن است.

جورج جرداق وقتی دوازده ساله بود، نهج‌البلاغه را خواند. نهج‌البلاغه برای او همان نقطه ایمانی بود که ممکن است هر انسانی در مواجهه با شگفتی، لحظه‌ای درنگ کند و از آن پس راهش را تغییر دهد. جرداق از یک سو نوجوانی کم سن و سال اما با ذوق بود، و از سوی دیگر در خانواده و منطقه‌ای مسیحی بزرگ شده بود. در چنین زمینه‌ای، او ابتدا شیفته ادبیات نهج‌البلاغه شد، اما اندک اندک اندیشه‌های علی(ع)، او را به سوی خود کشاند. در دوران تحصیل در دانشگاه بیروت، تنها درباره شخصیت علی(ع) تحقیق می‌کرد. «امام علی، صدای عدالت انسانی» را در بیست‌وهشت سالگی نوشت و سپس «روائع نهج‌البلاغه» را به رشته تحریر درآورد.

به باور جرداق: «شخصیت امام، در انبوهی از نظریه‌های اعتقادی و تاریخی مهجور مانده است. تمام نویسندگان پیشین تنها به حکومت علی(ع) توجه کرده و از چهره انسانی او غافل شده‌اند. باید وقایع و دعوای تاریخی را کنار زد و علی(ع) و تنهایی‌اش، علی(ع) و پروردگارش را نیز دید.»

کتاب «روائع نهج‌البلاغه» حاصل این شگفتی و شیفستگی است. عناوین کتاب «روائع نهج‌البلاغه» مسائل و وقایعی است که در کلام علی(ع) شکوه دیگری می‌یابند: علی و آخرت، علی و عدالت، علی و اخلاق، علی و دنیا. در مقدمه این کتاب، جرداق می‌نویسد:

«در بررسی سیره بزرگان راستین تاریخ، خواه شرقی و خواه غربی، و از گذشته تا اکنون، به این واقعیت آشکار پی می‌بریم که ایشان با وجود اختلاف نظر در عرصه‌های اندیشه و مذهب، همگی کمابیش استعدادی خداداد در بیان و ادبیات داشتند. آنان یا آفرینش ادبی داشته‌اند یا در آستانه آفرینش اثری بوده‌اند. گویی درک و ذوق ادبی، با همه گستردگی و تنوعش، همیشه مرهون موهبتی خارق‌العاده است. کافی است نظری به زندگی پیامبران(ع) بیفکنیم؛ پیامبرانی همچون داود، سلیمان، اشعیا، ارمیا، ایوب، عیسی و محمد(ص) که علاوه بر بهره‌مندی از ویژگی‌های فراوان، از موهبت ادبی نیز برخوردار بودند... چنین واقعیتی به‌روشنی در شخصیت علی بن ابی‌طالب(ع) نمودار است؛ چراکه او امام ادب است؛ همچنان‌که در اقامه حق و ارشاد خلق، پیشوایی بی‌مانند است. نهج‌البلاغه اعجاز ادبی او است که در زبان عربی، پس از قرآن، در اوج بلاغت است. ادبیات عرب، سیزده قرن دنباله‌رو او است و از بیان سحرآمیزش جان می‌گیرد.

علی(ع)، رسایی و دلنشینی کلام پیشین عرب را با زبان دوران خویش پیوند زد. او زیبایی‌های بی‌آلایش و همسو با فطرت پاک در کلام عرب پیش از اسلام را با ادبیات پاک اسلام و استوار بر منطقی نیرومند چنان به هم آمیخت که تفکیک آنها از یکدیگر ممکن نیست. کلام او هم شیوایی کلام عرب پیش از اسلام را دارد و هم ظرافت کلام پیامبر(ص) را؛ تا آنجا که گفته‌اند «کلام او فروتر از سخن آفریدگار و فراتر از سخن آفریدگان است.» جای هیچ تعجبی نیست؛ چراکه همه مقدمات شیوایی و رسایی کلام برای علی(ع) مهیا بود. او در محیطی رشد یافت که فطرتش پاک و پیراسته ماند. با حکیم‌ترین مردم، حضرت محمد بن عبدالله(ص) زندگی کرد و رسالت پیامبر را با همه حرارت و نیروی نهفته در آن، درک کرد. علاوه بر این، او از استعدادی فوق‌العاده و موهبت‌های بزرگی برخوردار بود. بنابراین همه اسباب توفیق و برتری برای او فراهم بود. »

جرداق معتقد است «گام نخست، شناخت خود علی(ع) است و در قدم بعد، آشنایی با کلام او است. کسی که با شخصیت و کلام علی(ع) آشنا شود، شاید دیگر نتواند درباره کسی جز او بنویسد.»

جرداق همچنین در مصاحبه با یکی از خبرگزاری‌های ایران می‌گوید: «عده‌ای از مردم کشورهای حوزه خلیج فارس و مصر به من پیشنهاد می‌کردند که درباره دیگران هم بنویسم؛ اما من نپذیرفتم؛ نه به این خاطر که بخوام بگویم دیگران را دوست ندارم؛

بلکه من پس از علی(ع) کسی را شایسته نوشتن ندیدم و تصمیم گرفتم که جز درباره علی(ع) ننویسم. انقلاب علی(ع) انقلاب انسانی، اجتماعی، فکری و فرهنگی بود و در آن بین دو جبهه فسق و قتل و استثمار انسان از یک سو، و جبهه دین و رحمت و عدالت و انسانیت و آزادی فاصله‌های زیادی بود. موظف شدم که جبهه علی را که خالص‌ترین جبهه‌ها است، مورد بررسی و تحلیل قرار دهم. این جبهه، راه را برای من روشن کرد و چراغ راهم شد.»

بدون شک جورج جرداق نخستین کسی نیست که در نهج البلاغه تأمل کرده و آن را بی‌مانند یافته است. بیش از او، بسیاری از ادیبان بزرگ، نهج‌البلاغه را ستوده‌اند؛ کسانی همچون جاحظ، قدامة بن جعفر و عبید الحمید کاتب. جاحظ، با اشاره به کلامی از امام علی(ع) می‌گفت: «اگر فقط همین عبارت به دست ما رسیده بود، کفایت می‌کرد برای دلالت بر فصاحت و بلاغت علی(ع) در عالی‌ترین مرتبه.» در عصر حاضر نیز هیچ ادیب و شاعر عرب‌زبانی نیست که در برابر فصاحت امیرالمؤمنین، سر تعظیم فرود نیاورده باشد. علی الجندی، رئیس دانشکده علوم در دانشگاه قاهره، کلام امام را شعر منثور می‌خواند و کتابی نیز نوشته است با عنوان «علی ابن ابی طالب، شعره و حکمه».

شیخ محمد عبده از دیگر کسانی است که به طور تصادفی با نهج البلاغه آشنا می‌شود و درباره آن می‌نویسد: «در میان همه عرب‌زبانان، کسی نیست مگر آنکه معتقد است سخن علی بعد از قرآن و کلام نبوی شریف‌ترین و بلیغ‌ترین و پرمعنی‌ترین و جامع‌ترین سخنان است»

شمار کسانی که نهج البلاغه را خوانده‌اند و شرح عاشقی و شیف‌تگی خود را نوشته‌اند و درباره آن مطالعه و تحقیق کرده‌اند، به حتم بیش از این‌ها است؛ اما آنچه جرداق را از دیگر نویسندگان متمایز می‌کند، توجه او به مقام انسانی و عدالت‌خواه امام علی(ع) است.

جورداق در مقدمه روائع نهج البلاغه، می‌نویسد: «او در عمیق‌ترین مسائل انسانی فرورفت و پیچیده‌ترین مبانی را زیر و رو کرد و در پهنه سخن‌وری نمایش داد و پنهان‌ترین رموز را دریافت و در نهان‌گاه اسرار حیات نفوذ کرد و نتایجی راستین از کاربرد این همه ابزار دقیق در نزدیک‌ترین و دورترین چشم‌اندازهای معنوی به دست آورد.»

جرداق تنها به فصاحت و بلاغت سخن علی(ع) اشاره نمی‌کند؛ بلکه پیوسته خالق چنین سخنانی را می‌ستاید. او معتقد است اگر نهج البلاغه در کمال استواری است، برآمده از تفکری جامع و عمیق است. پیوستگی اندیشه‌های علی(ع)، آن‌چنان استوار و ساختارمند است که اکنون، بدیع و عبرت‌آموز است: «پس چشمه همان چشمه است که شب و روز می‌جوشد.»

از نظر او، کلام علی، جامع تمام سخنان است. از حالات انسانی می‌گوید، اخلاق می‌آموزد و همچنین آفرینش خدا را ستایش می‌کند. جرداق معتقد است در ادبیات عرب، چنین گستردگی و تنوعی‌ای در عین استواری بی‌سابقه است. جرداق پس از ذکر مثال‌هایی از نهج البلاغه در مقدمه کتاب، علی را مقیاس و شاخصی می‌خواند که جان انسانی بدان نیاز دارد:

در ادامه کتاب، سخنان گهربار علی بن ابی‌طالب(ع) را آورده‌ام. این سخنان زمینه‌ساز خودسازی و دستیابی به اخلاق پاک و آرمان‌های والای انسانی است و از سازندگی و خیرخواهی حیات سرچشمه می‌گیرند. این سخنان ماندگارند تا وقتی که نسل انسان خیرخواه در پهنه زمین و زمان باقی است.

درباره کتاب حاضر

کتاب «روائع نهج البلاغه»، پیش از این دو بار به فارسی ترجمه شده است؛ به نام‌های «شگفتی‌های نهج البلاغه» و «بخشی از زیبایی‌های نهج البلاغه». ترجمه حاضر که سومین ترجمه روائع نهج البلاغه است، چند ویژگی دارد؛ از جمله:

۱- برگردان این اثر به زبان فارسی، به قلم آقای محمد پرهت، چهره‌ای نو به روائع نهج البلاغه داده است. نثر معیار نویسنده و توانایی‌های او در معادل‌یابی، از امتیازهای این اثر است.

۲- به دلیل اهتمام و توجه مؤلف به بلاغت کلام امام علی(ع) لازم بود که عبارات امام(ع) به زیباترین وجه ممکن به زبان فارسی برگردانده شود. بدین رو، همه بیانات امام(ع) در نهج البلاغه، با ترجمه استاد سید جعفر شهیدی آمده است و جز چند تغییر جزئی در چند عبارت، برای گویاتر کردن مطلب، عین ترجمه ایشان در ذیل عبارات امام(ع) درج گردیده است.

۳- آن دسته از سخنان امام(ع) که در غیر نهج البلاغه است، منبع‌یابی و ترجمه شده است.

۴- مؤلف، پس از فصل نخست کتاب که حاوی دیدگاه‌های او درباره جایگاه فکری و ادبی امام علی(ع) است، شماری از کلمات قصار نهج البلاغه را و سپس گزیده‌ای از خطبه‌ها و نامه‌های امام(ع) را آورده است. در پایان کتاب، در فصلی جداگانه، دوباره شماری دیگر از کلمات قصار نهج البلاغه را برگزیده و افزوده است. در ترجمه حاضر، مجموع کتاب قصار در یک بخش، چینش شده است.

۵- این ترجمه، با اجازه کتبی مؤلف، آغاز شد.

۶- انتخاب عنوان «شکوه نهج البلاغه» برای ترجمه حاضر با توجه به محتوای کتاب و با نگاه به عنوان عربی کتاب است؛ اگرچه ترجمه تحت اللفظی آن محسوب نمی‌شود.

برای مؤلف گرانقدر کتاب، آرزوی بهروزی و سلامت داریم و نیز از خدای بزرگ مسئلت می‌کنیم که همچنان بر توفیقات ایشان در معرفی امام(ع) به جهانیان بیفزاید.

پس از تحریر

کتاب حاضر در آخرین مراحل آماده‌سازی برای نشر بود که خبردار شدیم جورج جرداق به دیار باقی شتافت. همچنین در خبرها آمده است که پیکر او را روز جمعه، ۱۶ شازندهم آبان ۹۳ از کلیسای ارتودکس اشرفیه به محل تولدش در مرجعین تشییع

می‌کنند. برای روح آن بزرگ‌مرد آرزوی غفران و برخورداری از نعم الهی داریم و امید است عشق‌ورزی‌های خالصانه‌اش به علی(ع)، رستگاری جاوید را برای او رقم زند.